

Research Paper



## Challenges and Processes of Marriage Identity Construction in Early Marriage: A Grounded Theory Study



Kazem Sattari sefidan jaded <sup>1</sup>, Mansooreh Hajhosseini <sup>2\*</sup>, Elahe Hejazi <sup>3</sup>, Payam RoshanFekr <sup>4</sup>

1. PhD student in Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Psychology and Educational Sciences, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Tehran, Iran.
3. Associate Professor, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran, Iran.
4. Assistant Professor, University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran.



DOI: 10.22034/JMPR.2023.16528

DOR: [20.1001.1.27173852.1401.17.66.17.7](https://doi.org/10.22034/JMPR.2023.16528)

URL: [https://psychologyj.tabrizu.ac.ir/article\\_16528.html](https://psychologyj.tabrizu.ac.ir/article_16528.html)



### ARTICLE INFO

### ABSTRACT

**Keywords:**  
child marriage, spouse role and Spouse's identity construction

Received: 2023/10/18  
Accepted: 2023/01/20  
Available: 2023/08/21

The present study was with the aim of investigating the challenges and the process of building a spouse's identity in early marriage. In this study a qualitative approach with the method of A Grounded Theory Study was used. The participants in this research were 23 people, including married women under the age of 15, who were selected using the purposeful sampling method based on the principle of saturation. The research tool is a semi-structured interview with open and standardized questions, and this information was analyzed and classified with the approach of Schwartz & Corbin contextual theory. The findings were obtained in three stages of open, central and selective coding, and the investigation of the prevailing relationships among the categories led to the discovery of the central phenomenon of "spousal identity construction", which traces of this phenomenon can be seen in all categories. The research results showed that life without childhood identity and individual and cultural factors of marriage as causal conditions, social pressure leading to unavoidable life choices and basic challenges and problems as background conditions, marital learning patterns and acute crises in joint life as intervention conditions. Changing the life path of child wives, incompatible problem solving and adaptive problem solving were conceptualized as the strategies and marital style of child wives, and their life satisfaction and future prospects were conceptualized as the consequence of the construction of marital identity. The results of this research will help psychologists and counselors in providing pre-marriage counseling, considering the appropriate age for marriage and providing appropriate feedback to people who are exposed to early marriage, which is very effective in reducing problems and forced marriage.



\* Corresponding Author: Mansooreh Hajhosseini

E-mail: Hajhosseini@ut.ac.ir



## چالش‌ها و فرایند ساخت هویت همسری در ازدواج زودهنگام: یک مطالعه داده‌بنیاد



کاظم ستاری سفیدان جدید<sup>۱</sup>، منصوره حاج حسینی<sup>۲\*</sup>، الهه حجازی<sup>۳</sup>، پیام روشنفکر<sup>۴</sup>

۱. دانشجوی دکتری روانشناسی، گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران. ایران.

۲. استادیار گروه روانشناسی تربیتی و مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران. ایران.

۳. دانشیار گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران. ایران.

۴. استادیار پژوهش، عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات مدیریت رفاه اجتماعی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران. ایران.



DOI: 10.22034/JMPR.2023.16528

DOR: [20.1001.1.27173852.1401.17.66.17.7](https://doi.org/10.22034/JMPR.2023.16528)

URL: [https://psychologyj.tabrizu.ac.ir/article\\_16528.html](https://psychologyj.tabrizu.ac.ir/article_16528.html)



### چکیده

### مشخصات مقاله

پژوهش حاضر با هدف بررسی چالش‌ها و فرایند ساخت هویت همسری در ازدواج زودهنگام انجام شد. در این مطالعه از رویکرد کیفی با روش نظریه داده‌بنیاد استفاده شد. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش ۲۳ نفر شامل زنان دارای ازدواج زیر ۱۵ سال بودند که به روش نمونه‌گیری هدفمند بر پایه اصل اشباع انجام شدند. ابزار پژوهش، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با پرسش‌های باز و استاندارد شده است که این اطلاعات با رویکرد نظریه زمینه‌ای اشتراوس و کوربین تحلیل گردیدند. یافته‌ها در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی به دست آمدند که بررسی روابط حاکم در میان مقولات، سبب کشف پدیده مرکزی "ساخت هویت همسری" شد که جا پای این پدیده در تمامی مقولات دیده می‌شود. نتایج پژوهش نشان داد که زندگی بدون هویت کودکی و عوامل فردی و فرهنگی ازدواج به‌عنوان شرایط علی، فشار اجتماعی منجر به انتخاب زندگی غیرقابل اجتناب و چالش‌ها و مشکلات اساسی به‌عنوان شرایط زمینه‌ای، الگوهای یادگیری همسری و بحران‌های حاد در زندگی مشترک به‌عنوان شرایط مداخله‌ای، تغییر مسیر زندگی کودک‌همسران، حل مساله ناسازگارانه و حل مسئله سازگارانه به‌عنوان راهبردها و سبک همسری کودک‌همسران و وضعیت رضایت از زندگی و آینده‌نگری آنان به‌عنوان پیامد ساخت هویت همسری مفهوم‌بندی شدند. یافته‌های پژوهش حاضر به روان‌شناسان و مشاوران در خصوص ارائه مشاوره‌های قبل از ازدواج و در نظر گرفتن سن مناسب ازدواج و ارائه بازخوردهای مناسب به افراد در معرض ازدواج زودهنگام کمک می‌کند که ارائه این آموزش‌ها و فرهنگ‌سازی عمومی در کاهش مشکلات و ازدواج اجباری بسیار موثر است.

### کلیدواژه‌ها:

کودک‌همسری، نقش همسری و ساخت هویت

دریافت شده: ۱۴۰۱/۱۰/۱۸

پذیرفته شده: ۱۴۰۱/۱۰/۳۰

منتشر شده: ۱۴۰۲/۰۵/۳۰

\* نویسنده مسئول: منصوره حاج حسینی

رایانامه: Hajhosseini@ut.ac.ir

## مقدمه

کودک همسری<sup>۱</sup> به پیوند زناشویی یک یا هر دو همسر در سنین کودکی و زیر ۱۸ سال اطلاق می‌شود که کمپین‌های جهانی به همه ازدواج‌های زیر ۱۸ سال که هم دختران و هم زنان را تحت تاثیر قرار می‌دهد، معترض بوده و درصدد پایان دادن به آن هستند (هودگینسون و همکاران،<sup>۲</sup> ۲۰۱۶). ازدواج کودکان در طول تاریخ رایج بوده و هم‌چنان به‌طور نسبتاً گسترده‌ای در کشورهای در حال توسعه مانند بخش‌هایی از آفریقا، آسیای جنوبی، آسیای غربی، آمریکای لاتین و ایران رواج دارد (صفوی و مینایی، ۱۳۹۴). داده‌های سال ۲۰۱۸ یونیسف نشان می‌دهد که حدود ۲۱ درصد از زنان جوان در سراسر جهان در کودکی ازدواج کرده‌اند که البته با فرهنگ‌سازی و آگاهی‌بخشی‌های مختلف، کاهش ۲۵ درصدی نسبت به ۱۰ سال قبل را نشان می‌دهد (هودگینسون و همکاران، ۲۰۱۶). بررسی آمار ازدواج در ایران نشان می‌دهد از کل ازدواج‌های ثبت شده در سال ۱۳۹۸، تقریباً ۱۰.۲۳ درصد ازدواج زیر ۱۵ سال داشته‌اند که اگر معیارهای بین‌المللی (سن زیر ۱۸ سال) را در نظر بگیریم، ۲۹.۱۷ درصد ازدواج‌ها در سنین کودکی بوده است.

در قرون وسطی، سن ازدواج در خیلی از مناطق در حدود بلوغ بوده و در یونان باستان، ازدواج زود هنگام و مادری برای دختران وجود داشت که حتی از پسرها هم انتظار می‌رفت در سنین پایین‌تر ازدواج کنند. از دیگر تاثیرات هنجارهای اجتماعی بر کودک همسری، قوانین مربوط به تقسیم کار در خانواده است. هنجارهای اجتماعی نقش زن در خانه را محدود به تولیدمثل، نگهداری از فرزندان و انجام امورات خانه می‌دانند درحالی‌که مردان بیشتر نقش رهبر خانواده را داشته و تامین کننده مخارج خانواده هستند (استارک<sup>۳</sup>، ۲۰۱۹). به عبارت دیگر، تعامل هنجارهای اجتماعی، اقتصادی، ساختارها و انگیزه‌های خانوادگی در این نوع ازدواج‌ها بسیار مهم هستند (پترونی و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۱۸). هنجارهای اجتماعی به‌خصوص در مورد جنسیت، دختران را بیشتر از پسران تحت تاثیر قرار می‌دهند بدین‌صورت که ارزش‌های بیشتری به مردان نسبت به زنان می‌دهند و نقش‌ها و رفتارهای مورد پذیرش در زندگی دختران را تعیین می‌کنند که این مسئله به نوبه خود، موقعیت‌های رشدی و پیشرفت دختران را کاهش می‌دهد (رومبل و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۱۸). از مهم‌ترین علل زمینه‌ساز کودک همسری، بلوغ جنسی زودرس، مردسالاری، اعتقادات مذهبی، موقعیت محل زندگی و زندگی با پدر و مادر ناتنی مطرح شده است (حاجیلو و همکاران، ۱۴۰۰). نامنی، چه به عنوان ناشی از جنگ و چه در هنگام زندگی در محله‌های فقیرنشین یا مکان‌های پس از جنگ (چری و همکاران، ۲۰۱۷)، بلوغ جنسی زودرس، مردسالاری، اعتقادات مذهبی، موقعیت محل زندگی و زندگی با پدر و مادر ناتنی سبب تشدید کودک همسری شده و از علل وقوع آن است (علی‌پورآبادر، ۱۳۹۹).

نقش به رفتاری اطلاق می‌شود که دیگران از فردی که پایگاه معینی را احراز کرده، انتظار دارند. نقش‌های مناسب، به‌صورت بخشی از فرایند اجتماعی شدن به فرد آموخته می‌شوند و سپس وی آن‌ها را می‌پذیرد (توسلی و فاضل، ۱۳۹۵). از مهم‌ترین نقش‌هایی که به لحاظ اجتماعی برای افراد در دایره ازدواج تعیین گردیده، نقش همسری است که در نقش همسری فرد وظایفی را به عهده می‌گیرد که به صورت اجتماعی، خانوادگی و یا فرهنگی برای او تعیین شده است (آبرا و همکاران<sup>۶</sup>، ۲۰۲۰). از طرفی با وارد شدن فرد به ازدواج انتظار می‌رود که او نقش همسری خود را ایفا کند، خواه کودک و نوجوان باشد یا بزرگسال. حتی از فردی که در سن کودکی و نوجوانی وارد ازدواج می‌شود و به‌عنوان فرد کودک همسر شناخته می‌شود انتظار می‌رود که نقش‌های همسری خود از جمله مواردی مثل رسیدگی به نیازهای همسر و رابطه جنسی را ایفا کند (چو و همکاران<sup>۷</sup>، ۲۰۰۵). فرد کودک همسر ممکن است هنوز به بلوغ جنسی نرسیده و یا تازه به لحاظ جنسی بالغ شده باشد و آگاهی و تجربه‌ای در این زمینه نداشته باشد در حالی که در این نقش از او انتظار می‌رود که بتواند رابطه جنسی برقرار کند (انگبرستین و همکاران<sup>۸</sup>، ۲۰۲۰).

ازدواج کودک می‌تواند از مصادیق آزار جنسی کودکان باشد که کودک بدون هیچ اطلاع و آموزشی و در بسیاری از اوقات حتی پیش از بلوغ و در زمانی که خود هنوز تمایلاتی از این قبیل پیدا نکرده معمولاً به مردی بزرگ‌تر از خود که اطلاع بیشتری از خودش دارد سپرده می‌شود تا به هر شیوه‌ای با وی رفتار کند (هودگینسون و همکاران، ۲۰۱۶). برخی مطالعات نشان می‌دهند که این افراد به‌ویژه دخترانی که با مردان سنین بالاتر از خود ازدواج می‌کنند دچار کندی و حتی توقف رشد هیجانی، اجتماعی و حتی شناختی شده چرا که وظایفی که به عهده آنها سپرده می‌شود زودتر از توان و ظرفیت آنها بوده است (راج و همکاران<sup>۹</sup>، ۲۰۱۹). این نوع ازدواج‌ها به عنوان یکی از آسیب‌های اجتماعی و روان‌شناختی در بسیاری از جوامع مطرح هستند. در برخی جوامع اروپایی و آمریکایی ازدواج با کودکان و یا نوجوانان در سنین پایین مصداق سوءاستفاده از کودک است و پیگرد قانونی و قضایی برای افراد دخیل در آن را به همراه دارد (تسما<sup>۱۰</sup>، ۲۰۲۰) چرا که رشد شناختی معمولاً تا سنین نوجوانی همچنان ادامه دارد و رشد اجتماعی و هیجانی تا بزرگسالی همچنان تکمیل نشده است همچنین فشار روانی که از حد رشد شناختی فرد فراتر باشد گاهی می‌تواند جنبه‌ی تروما به خود بگیرد و رشد فرد را در ابعاد مختلف متوقف کند (جان و همکاران<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۹). بنابراین ازدواج در سنین پایین به صورت آشکاری اهداف اصلی رشد روانی اجتماعی را زیر سوال می‌برد و در هر مرحله اگر تعارضات حل نشود تبدیل به آسیب خواهند شد (دیالال<sup>۱۲</sup>، ۲۰۱۹). وقتی ازدواج زود هنگام دختران به معنای پایان دوران کودکی تلقی می‌شود معمولاً این کودکان نقش‌ها و مسئولیت‌های بزرگسالان را قبل از آمادگی‌های جسمانی، روانی و عاطفی متحمل می‌شوند و بیشتر

7. Choe, Thapa & Mishra
8. Engebretsen, Gueye, Melnikas, Fofana, Fané
9. Raj, Salazar, Jackson, Wyss, McClendon
10. Tessema
11. John, Edmeades, Murithi, & Barre
12. Diala

1. Child marriage
2. Hodgkinson
3. Stark
4. Petroni
5. Rumble
6. Abera, Nega, Tefera & Gelagay

هر جلسه به صورت صوتی ضبط و به جز مشخصات هویتی، بقیه موارد به صورت کامل در کاغذ پیاده و مموها و یادداشت‌هایی هم در حاشیه اوراق نوشته می‌شد. پژوهش در ۴ گام اصلی انجام شد، در گام نخست، سوالات اولیه و اصلی همراه با ۳ تن از اساتید مربوطه طراحی گردید. در گام بعدی، با افراد مصاحبه عمیق صورت گرفته و پس از مصاحبه، مفاهیم استخراج و کدگذاری شدند. در گام بعدی، پس از کدگذاری نهایی و استخراج مقوله‌ها، از برخی از مشارکت‌کنندگان و ۲ تن از اساتید خواسته شد تا یافته‌های پژوهش را مطالعه و ارزیابی کنند. در گام نهایی، با توجه به جمع‌بندی نظرات اساتید و به دست آمدن مقولات فرعی و اصلی، مدل مفهومی طراحی گردید. کدگذاری و تجزیه و تحلیل اطلاعات در محیط نرم‌افزاری مکس کیودا<sup>۲۰۲۰</sup> انجام گردید.

### ابزار پژوهش

جهت گردآوری اطلاعات از مصاحبه نیمه ساختاریافته با پرسش‌های باز و استاندارد استفاده شد که سوالات اصلی بدین شرح می‌باشند:

بخش اول: چند سالتون بود که ازدواج کردید؟ چی شد که ازدواج کردین؟ اساسا نگاه و دیدگاه شما زمانی که ازدواج کردین، چی بود و چه هدفی از ازدواج کردن داشتین؟ نگاه و تصور شما نسبت به همسر شدن موقع ازدواج چی بود؟ تصور و نگاه شما نسبت به نقش‌ها و وظایف و مسئولیت‌های خودت نسبت به زندگی چی بود؟

بخش دوم: بعد از طی شدن روند و سال‌های ابتدایی، خوب شما در آن سال‌های اول، چه مسائل و مشکلاتی داشتند و یا درگیر بودین؟ شما در سال‌های اول زندگی زناشویی‌تان، در رابطه با نقش جدید همسری، در مقایسه خودت با دیگران چه احساسی نسبت به نقش جدید داشتی و چه چالش‌ها و درگیری‌هایی داشتی (مثلا دوستانت مدرسه می‌رفتند و تو چه حسی نسبت به همسر شدن داشتی)؟ برای حل این مشکلات و چالش‌های پیش آمده از چه الگوها یا دستورات یا روش‌های خاصی استفاده می‌کردی و یا در کل چکار می‌کردی مثل تبعیت از همسر یا آزمایش و خطا (روش‌های حل مسئله و مدیریت بحران)؟ نگاه و تصور شما همان موقع (همان موقع ازدواج در کودکی) نسبت به آینده چی بود؟

بخش سوم: پس از بررسی اتفاقات و پروسه مرتبط با ازدواج شخص، سازگاری بعد از ازدواج، مشکلات و چالش‌های مرتبط با ازدواج، حس و تجارب مربوط به حال را بررسی شد. فرزند شما چند سالش است و الان باهاش چکار می‌کنید؟ احساس و نگرش و تصور شما نسبت به مسئولیت‌ها و نقش‌های فعلی‌تان چیست؟ چه مشکلات و چالش‌هایی الان دارید؟ برای حل این مشکلات و چالش‌های کنونی چکار می‌کنید و از کی کمک دریافت می‌کنید؟ نگاه و تصور شما نسبت به آینده چگونه است (با توجه به اینکه الان جوان یا میانسال است)؟ چه آرزوها و امیدهایی در این دوره سنی دارید (صحبت‌های احتمالی درخصوص احساس‌ها و امیالی سرکوب شده)؟

برای حصول اطمینان از روایی از نظرات ۳ تن از اساتید آشنا و خبره استفاده شد برای پایایی نیز همه کدگذاری‌های صورت گرفته شده از ابتدا همراه با ۲

مواقع ازدواج زودهنگام منجر به انزوای اجتماعی و جدایی از خانواده و دوستان می‌شود (اینگبرتنسن و کوربا<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱). بررسی‌های آماری و پژوهشی بیانگر روند صعودی ازدواج‌های زودهنگام بوده (کوهی، ۱۳۹۸) که این افزایش با مشکلاتی همراه خواهد بود که درخصوص چالش‌های این نوع ازدواج‌ها، نتایج مطالعات تأیید می‌کنند، از آنجا که دختران در سنین پایین از نظر جسمی بالغ نمی‌شوند، لذا تاهل در سنین کم می‌تواند مشکلات جسمی و اختلالات خلقی همچون افسردگی، اضطراب و وسواس را به همراه داشته (لی‌استارت و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱) و با فراوانی بیشتری نسبت به سایر دختران، دچار مشکلات پزشکی و جسمانی، سقط جنین، مشکلات روان‌شناختی شامل افسردگی و اضطراب و مشکلات خانوادگی می‌شوند (اسکافنیت و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۹). به عبارت دیگر، مشکلات روان‌شناختی هم‌چون اضطراب، افسردگی، ترس، طلاق عاطفی، تجارب تلخ و احساس قربانی شدن، بی‌پناهی و سرخوردگی از پیامدهای ازدواج زودهنگام شناسایی شده‌اند (نوبهاری، ۱۳۹۹).

با توجه به چالش‌هایی که ازدواج زودهنگام برای افراد در ابعاد مختلف آن شامل جسمانی، روان‌شناختی، اجتماعی، تحصیلی و شغلی ایجاد می‌کند و همچنین با در نظر گرفتن این موضوع به‌عنوان یکی از آسیب‌های روانی-اجتماعی مطرح در زمینه کودکان در کشور، به‌نظر می‌رسد که بررسی این پدیده ضروری بوده و می‌تواند کمک شایانی به برنامه‌ریزی برای تدوین برنامه‌ها و آموزش‌های مناسب جهت افزایش دانش و اطلاعات حوزه زناشویی و پیشگیری از آسیب‌های احتمالی باشد. اغلب تحقیقات قبلی صرفاً به علل وقوع کودک‌همسری و پیامدهای آن با رویکرد کمی پرداخته‌اند که ضروری بود بحث ساختار هویت و تجربه زیسته این افراد با رویکردی کیفی و با ارائه مدلی جدید و نسبتاً جامع که نوآوری این پژوهش است صورت بگیرد تا با این بررسی معلوم گردد که فرایند ساخت هویت همسری در این افراد به چه شکل و کیفیتی بوده و چالش‌های روان‌شناختی و روانی-اجتماعی احتمالی این افراد به چه صورتی می‌باشد.

### روش

این مطالعه از نظر هدف بنیادی و به روش کیفی بوده و با نظریه داده بنیاد<sup>۴</sup> با اتکا به رویکرد اشتراوس و کوربین<sup>۵</sup> (۱۹۹۰) انجام شد تا در قالب آن امکان استخراج مفاهیم به شکل استقرایی از داده‌های کیفی فراهم شود. نمونه‌گیری به صورت هدفمند و تا حد اشباع نظری از بین زنان دارای معیارهای ورود: زیر ۱۵ سالگی ازدواج کردن، گذشت حداقل یک‌سال از زمان ازدواج، محدوده سنی فعلی ۱۵ تا ۴۵ سالگی، آمادگی و تمایل کافی برای مشارکت در پژوهش و توانایی انتقال اطلاعات بودند انتخاب شدند. کل مشارکت‌کنندگان، ۲۳ نفر بودند و زمان هر مصاحبه بین ۴۵ دقیقه تا ۶۰ دقیقه به طول می‌انجامید که در ابتدای هر مصاحبه، اهداف طرح و توضیح مختصری از پژوهش ارائه می‌گردید.

1. Engebretsen & Kaboré
2. Le Strat, Dubertret & Le Foll
3. Schaffnit et al

4. Grounded Theory
5. Schwartz & Corbin
6. MAXQDA

تن از اساتید مرحله به مرحله انجام می‌شد و پس از اتمام مصاحبه‌ها و کدگذاری‌ها، دو هفته بعد نیز کدگذاری‌ها دوباره انجام و بازنگری صورت گرفت و تمامی کدهای نهایی با توافق اساتید صورت گرفت.

### ملاحظات اخلاقی

قبل از شروع هر مصاحبه از افراد برای شرکت در مطالعه و ضبط صدا رضایت‌نامه گرفته شد و درخصوص اهداف و علت ضبط جلسه و همچنین حفظ محرمانگی اطلاعات و هویت آنان توضیحات و اطمینان لازم ارائه شد.

### نتایج

در پژوهش حاضر با ۲۳ نفر از زنان واجد شرایط مصاحبه عمیق صورت گرفته شد که به طور کلی ۷ نفر از آنان مطلقه، ۲ نفر در دوران عقد و ۱۴ نفر نیز در حال زندگی با شوهر خود بودند. تحصیلات ۱ نفر از آنان دانشجوی دکترا، ۹ نفر با تحصیلات دیپلم و ۱۳ نفر زیردیپلم بودند. ۲۱ نفر از مشارکت‌کنندگان خانه‌دار بوده و ۲ نفر از بین افراد مشارکت‌کننده در پژوهش شاغل بودند. چالش‌ها و فرایند ساخت هویت همسری در ازدواج زود هنگام در قالب ۱۱ مقوله اصلی، ۴۸ مقوله فرعی و ۳۵۰ کد باز به دست آمد که در جدول ۱ به تفکیک مشخص شده‌اند. ۱۱ مقوله اصلی به دست آمده زندگی بدون هویت کودکی، عوامل فردی و فرهنگی ازدواج، فشار اجتماعی منجر به انتخاب زندگی غیرقابل اجتناب، چالش‌ها و مشکلات اساسی کودک همسران، الگوهای یادگیری همسری کودک همسران، بحران‌های حاد در زندگی مشترک کودک همسران، تغییر مسیر زندگی کودک همسران، حل مساله ناسازگارانه، حل مسئله سازگارانه، سبک همسری کودک همسران و وضعیت رضایت از زندگی و آینده‌نگری کودک همسران می‌باشند.

### جدول ۱: مقولات فرعی، مقولات اصلی و کدگذاری محوری پژوهش

مقولات فرعی	مقولات اصلی	کدگذاری محوری	پدیده مرکزی
سن وقوع پیوند/ اجبار و گسست چرخه زندگی/ تکالیف منع شده	زندگی بدون هویت کودکی	کدگذاری محوری	پدیده مرکزی
مسیر مبهم ازدواج/ بسترهای ناکارآمد	شرایط علی	شرایط علی	پدیده مرکزی
تداوم زندگی مشترک/ بسترهای کارآمد تداوم زندگی مشترک/ تجربه همسری زودرس کودک وابسته/ تجربه همسری زودرس فرهنگ محور/ کنجکاو تلخ/ عبرت تلخ	عوامل فردی و فرهنگی ازدواج	هویت همسری	پدیده مرکزی
خواستگاری نمادین/ رویای سست/ توفیق اجباری	فشار اجتماعی منجر به انتخاب زندگی غیرقابل اجتناب	هویت همسری	پدیده مرکزی
مشکلات و خصوصیات شوهر/ آداب و رسوم فرهنگی/ کودکی دشوار/ خصیصه‌های شخصیتی بیمارگونه افراد	چالش‌ها و مشکلات اساسی کودک همسران	هویت همسری	پدیده مرکزی

یادگیری تدریجی وظایف زندگی/ یادگیری کورکورانه وظایف زندگی/ عاملیت خود در یادگیری وظایف زندگی/ یادگیری وظایف زندگی از طریق دیگران

الگوهای یادگیری همسری کودک همسران شرایط مداخله‌ای

نامزدی ناکامل/ دخالت‌های ناکارآمد/ محرمیت غیرثبیتی/ بی‌پناهی و دست خالی بودن/ منشا تنش‌ها و مشکلات بنیادین/ مدیریت زندگی معیوب شوهر/ بروز مشکلات خاص

هویت همسری بحران‌های حاد در زندگی مشترک کودک همسران

مصائب زندگی زیر یک سقف/ سرنوشت محکوم/ چالش‌های یک انتخاب حساس/ علت طلاق زوجین

تغییر مسیر زندگی کودک همسران

راهکارهای موقت کم‌بازده/ کارایی پایین شوهر در بزرگراهها/ سرکوب تمایلات انطباق‌ناهن

ساخت راهبرد در هویت همسری حل مساله ناسازگارانه

برخورد منطقی با مسائل/ همیاران کودک همسران/ یادگیری در گذر زمان

سبک همسری کودک همسران

رفتارهای نامناسب و مشکل‌زای شوهر/ همسری فی‌البداهه/ همسران قربانی شده/ زندگی سازگارانه خالص

پیامد هویت همسری وضعیت رضایت از زندگی و آینده‌نگری کودک همسران

احساسات پرفراز و نشیب زناشویی/ رضایت از نقش همسری/ عدم رضایت از نقش همسری/ انتظارات و توقعات ابتدایی/ انتظارات و توقعات ارتقایی/ افق دید کودک همسران

در ادامه ضمن طرح پارادایم ساخت هویت همسری، به بیان نمونه‌هایی از مصادیق مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان و اظهارات از آنها پرداخته می‌شود. **شرایط علی:** دو مقوله‌ی اصلی زندگی بدون هویت کودکی و همسری زود هنگام کودک همسران به عنوان شرایط علی ساخت هویت همسری شناسایی گردیدند که نمونه‌ای از نقل قول و اظهارات افراد جلوی هر مقوله بیان شده است.

**الف:** زندگی بدون هویت کودکی: این مقوله‌ی اصلی شامل ۳ مقوله‌ی فرعی سن وقوع پیوند (تمامی افراد زیر ۱۵ سالگی و در سنین کودکی ازدواج کرده‌اند)، اجبار و گسست چرخه زندگی "من آنقدر مشکلات کشیدم تو بچه‌گی‌ام، انگار که من یه برهه‌ای از زندگی‌م حذف شده کلاً از وجودم اصلاً بچگی نکردم" و تکالیف منع شده "ببین نمی‌خوام بگم مثلاً خیلی علاقه‌مند بودم به درس، ولی در سو دوست داشتم" می‌شود.

**ب:** عوامل فردی و فرهنگی ازدواج: این مقوله‌ی اصلی شامل ۷ مقوله‌ی فرعی، مسیر مبهم ازدواج "هیچ هدفی برای ازدواج نداشتم، باور می‌کنی کوچیک بودم دیگر خب من دیگه ۱۴ سالم بود دیگه چه می‌دونم همین چیزهای زودگذر همین هیجان‌ناز زودگذر"، بسترهای ناکارآمد تداوم زندگی مشترک "من تحمل می‌کردم و به عقب نگاه نمی‌کردم و مادرم هم می‌گفت

هر کاری دوست داشت می‌کرد می‌فهمید که من دیگه نمیرم من دیگه ترکش نمی‌کنم."

**شرایط مداخله‌ای:** دو مقوله‌ی اصلی الگوهای یادگیری همسری کودک همسران و بحران‌های حاد در زندگی مشترک کودک همسران به‌عنوان شرایط مداخله‌ای ساخت هویت همسری شناسایی گردیدند.

**الف:** الگوهای یادگیری همسری کودک همسران: این مقوله‌ی اصلی شامل ۴ مقوله‌ی فرعی یادگیری تدریجی وظایف زندگی "من به مرور زمان یاد گرفتم که چکار باید بکنم به همسر من چی بگم چه‌جوری بهش محبت کنم چکار کنم"، یادگیری کورکورانه وظایف زندگی "خودم تنهایی غذا درست می‌کردم و در کل خودم حدس می‌زدم"، عاملیت خود در یادگیری وظایف زندگی "خونه ما بچه‌ها شیر به شیر بودند کوچولو بودند بهت مسئولیت می‌دادند و خودم یاد گرفتم" و یادگیری وظایف زندگی از طریق دیگران "مادرم به من خونه‌داری رو، بعد همسرداری رو به من یاد داد زندگی و خانه‌داری برام خیلی نقش مهمی داشت" می‌باشد.

**ب:** بحران‌های حاد در زندگی مشترک کودک همسران: این مقوله‌ی اصلی شامل ۷ مقوله‌ی فرعی نامزدی ناکامل "نمی‌گذاشتند بیاد که من بشناسمش بعدشم اون قدر بچه بودیم که از این چیزا سردر نمی‌آوردیم"، دخالت‌های ناکارآمد "چهار پنج نفری دورم می‌کردند هر کی هر حرفی دلش می‌خواست می‌گفت و من نمی‌تونستم جواب بدم چون بلد نبودم از خودم دفاع کنم"، محرمیت غیرثبتي "دو سه ماهی ما صیغه بودیم چون به‌خاطر اینکه سنم کم بود قباله نوشته نمی‌شد"، بی‌پناهی و دست خالی بودن "وقتی پرستار بچه رو آورد هیچ‌کی بچه رو بغل نکرد! هیچ‌کس. که پرستار رو تخت گذاشتشو رفت. من که چون نداشتم مادرم که نمی‌داشتن بیاد"، منشا تنش‌ها و مشکلات بنیادین "شاید من درس می‌خوندم شاید بهترین ازدواجی می‌کردم بچه‌ها تو آسایش بودن چرا باید بچه‌های من این‌جوری بشن"، مدیریت زندگی معیوب شوهر "الان من یه چیزی می‌گم شما یه چیزی می‌گید. جرات نمی‌کردی که حرف بزنی وقتی که همه محاصرت می‌کردن وقتی تو وسط بودی تو یه نفری، خاله‌شوهر، خواهرشوهر، مادرشوهر، برادرشوهر، دخترخاله‌های شوهر تورو دوره می‌کنن و هر کی یه چیزی میگن می‌تونی جواب‌شونو بدی"، بروز مشکلات خاص برای کودک همسران "شوهرم گفت اصلاً من بچه را بهت نمی‌دم من به‌خاطر بچه باهوش زندگی کردم من باهوش ادامه دادم و اجازه هم نمی‌دادم" می‌باشد.

**راهبردها:** سه مقوله اصلی تغییر مسیر زندگی، حل مساله ناسازگارانه و حل مسئله سازگارانه به‌عنوان راهبردهای ساخت هویت همسری شناسایی گردیدند.

**الف:** تغییر مسیر زندگی کودک همسران: این مقوله‌ی اصلی شامل ۴ مقوله‌ی فرعی مصائب زندگی زیر یک سقف "من قبل از ازدواجم خوب اصلاً خیلی بچه‌آرومی بودم عصبی نبودم ولی متاسفانه الان واقعا خیلی عصبی می‌شم"، سرنوشت محکوم "اون که می‌رفت سرکار مثلاً من یواشکی می‌اومدم خونه‌ی بابام یکی دو ساعت بودم بعد بر می‌گشتم"، چالش‌های یک انتخاب حساس "یه زنی که طلاق می‌گیره نگاه‌ها همه عوض می‌شه برخوردشون همه مثلاً

که دیگه ازدواج کردی و باید تحمل کنی و زندگیتو به احسن برسونی و بزاری ۵ نفر دیگر هم از تو عبرت بگیره و می‌گفت باید تحمل کنی ما هم در زندگی زیاد تحمل کردیم"، بسترهای کارآمد تداوم زندگی مشترک "ما قبلاًها می‌دونستیم باید بسازیم این کارو کنیم اون کار رو نکنیم چیکار باید بکنیم کجا باید بریم، شوهر گفت یه جا بریم بریم، نریم هم نریم"، تجربه همسری زودرس کودک وابسته "من دوست داشتم که ازدواج کنم و صرفاً دوست داشتم ازدواج کنم"، تجربه همسری زودرس فرهنگ‌محور "حتی بری تو اتاق حرف بزنی بعد بیای بگویی من مخالفمو قبول نکردم و اینا غیرممکنه مثلاً اومدن و حرف زد انگشتر دادن گل آورد اینا کاملاً فرمالیته بود"، کنجکاوای تلخ "اگه به چند سال پیش برگردم هیچ‌وقت همچین انتخابی رو نمی‌کردم درسو می‌خوندم و خودمو مثلاً به پست و مقامی می‌رساندم اون وقت یه انتخاب درست، فهمیده‌تر مثلاً می‌رفتم" و عبرت تلخ "برگردم به اون دوران اصلاً تو سن کوچیک ازدواج نمی‌کنم فامیلا مونم گفته بودم به خواهرم مادرم دختر خودم رو اصلاً زیر ۲۰ سال شوهر نمی‌دهم هر چی خواستگار خوبم باشه این کارو نمی‌کنم" می‌شود.

**شرایط زمینه‌ای:** دو مقوله‌ی اصلی فشار اجتماعی منجر به انتخاب زندگی غیرقابل اجتناب و چالش‌ها و مشکلات اساسی کودک همسران به‌عنوان شرایط زمینه‌ای ساخت هویت همسری شناسایی گردیدند.

**الف:** فشار اجتماعی منجر به انتخاب زندگی غیرقابل اجتناب: این مقوله‌ی اصلی شامل ۳ مقوله‌ی فرعی خواستگاری نمادین، رویای سست و توفیق اجباری می‌باشد. درخصوص هر یک از مقوله‌ها اظهاراتی بیان می‌شود برای مقوله‌ی خواستگاری نمادین "اونا پاشدن رفتن من به مامانم گفتم مامان اینا کی بودن چرا به من گفتی برو یه‌جای دیگه. مامانم به من گفت که دخترم برات خواستگار اومده منم اصلاً مفهوم خواستگاری رو نمی‌دونستم. گفتم مامان یعنی چی گفت می‌خواه عروس بشی"، برای مقوله‌ی رویای سست "تصورات اشتباهی نسبت به زندگی مشترک داشتیم. ما اختلاف داشتیم و اینا، دیگه گفتیم عروسی کنیم مثلاً شاید خوب بشیم" و برای مقوله‌ی توفیق اجباری "با دوستم که از مدرسه می‌اومدیم بیرون اومدن و منو با دوستش بردن و فراری دادن".

**ب:** چالش‌ها و مشکلات اساسی کودک همسران: این مقوله‌ی اصلی شامل ۴ مقوله‌ی فرعی مشکلات و خصوصیات شوهر، آداب و رسوم فرهنگی، کودکی دشوار و خصیصه‌های شخصیتی بیمارگونه افراد می‌باشد. در اینجا نیز برای نمونه اظهارات آورده می‌شود. برای مقوله‌ی مشکلات و خصوصیات شوهر "خانم بازی می‌کرد، نه پولی داشت نه غذایی بود و برای بچه‌ها چیزی نمی‌خرید خیلی سخت بود"، برای مقوله‌ی آداب و رسوم فرهنگی "مادرم یه کلمه طلاق را آوردم گفت غیرممکنه امکان نداره تو طایفه ما همچین چیزی وجود نداره صداتو در نیامی"، برای مقوله‌ی کودکی دشوار "هیچی به ما در رابطه با شوهرداری و این‌جوری باید کنی اینکه چکار باید کنی هیچی به ما یاد نداده بودند منم یه دختر ۱۴ ساله که هیچی نمی‌دونستم" و برای مقوله‌ی خصیصه‌های شخصیتی بیمارگونه افراد "وقتی خودش سوءاستفاده می‌کرد می‌فهمید که من نمی‌تونم ترکش کنم می‌فهمید بهش وابسته شدم هر کاری

فکر می‌کنین این از فضا اومده یه طور دیگه نگاه می‌کنند" و علت طلاق زوجین "شوهرم از ترس مادرشون به طلاق راضی شدن" می‌باشد.

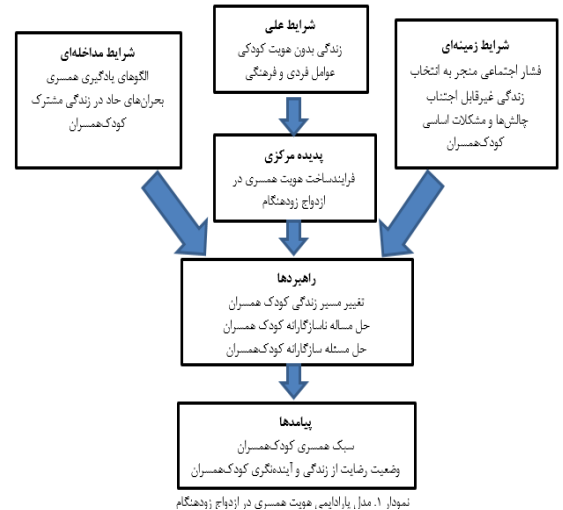
ب: حل مساله ناسازگارانه کودک همسران: این مقوله‌ی اصلی شامل ۳ مقوله‌ی فرعی راهکارهای موقت کم بازده "بهم می‌گفتن بهش محبت کن بهش این جور کن خوب می‌شه فلان کن همه این کارا رو چه بهم می‌گفتن چه نمی‌گفتن انجام می‌دادم ولی خب هیچ تاثیری نداشت"، کارایی پایین شوهر در بزنگاه‌ها "خیلی بهش وابسته بودم به شوهرم اینقدر وابسته بودم اصلا هرچی بهش محبت می‌کردم خیلی اصلاً دیگه خیلی آنقدر بهش وابسته شدم ولی اون اصلا منو نمی‌خواست" و سرکوب تمایلات انطباقانه "اصلاً من رو حرفش حرف نمی‌زد، چون من توی خانواده‌ای بودم که همش دعوا بود من فقط به فکر این بودم که خونم آروم باشه هیچ وقت دعوا نباشه" هستند. ج: حل مسئله سازگارانه کودک همسران: این مقوله‌ی اصلی شامل ۳ مقوله‌ی فرعی برخورد منطقی با مسائل "به‌جای اینکه بشینم دعواش کنم یا بزمن که فلان جا برو و با فلانی نرو، به‌جاش بشینم و براش توضیح بدم که چرا نباید بری، از طریق گفتگو بچه رو به راه بیارم تا اینکه از روش‌های نامناسب استفاده کنم"، همیاران کودک همسران "نقش مادر بودن یک نقش مهمی است به‌خاطر همین من هم نمی‌تونم از هر کسی کمک بگیرم در آینده. در این مورد فقط می‌تونم از مادرم و نزدیک‌ترین فامیل که مثلاً خاله یا مادرشوهرمه. چون به جز مادر نمی‌شه بخصوص در این دوره و زمانه به کسان دیگر در این مورد اعتماد کرد" و یادگیری در گذر زمان "به مرور زمان متوجه شدم خیلی سختی کشیدم چون بچه بودم خیلی عذاب کشیدم" هستند.

**پیامدها:** دو مقوله اصلی سبک همسری کودک همسران و وضعیت رضایت از زندگی و آینده‌نگری کودک همسران به عنوان پیامدهای ساخت هویت همسری شناسایی گردیدند.

الف: سبک همسری کودک همسران: این مقوله‌ی اصلی شامل ۴ مقوله‌ی فرعی رفتارهای نامناسب و مشکل‌زای شوهر "من می‌خواستم برم بیرون نمی‌گذاشت، نمی‌گذاشت برم با مامانم بعد بهش می‌گفتم پول بده من پرودی شدم می‌گفت من ندارم"، همسری فی‌البداهه برای مقوله‌ی "من اصلاً بحث زناشویی رو نمی‌دونستم و شما باورت نمی‌شود من بگویم من اصلاً تا اون زمان حتی نمی‌دونستم بچه مثلاً چه‌طور متولد می‌شه"، همسران قربانی شده "منو مجبور می‌کرد یه کارایی بکنم خب من بدم می‌اومد خب بالاخره منم، باید به من یاد می‌داد، باید منو ... به قول گفتنی قبلش باید یه محبتی به من می‌کرد که بتونی یه محبتی بگیری دیگه و یا همیشه جلوی مردم منو تحقیر می‌کرد همیشه جلوی مردم بهم چرتو پرت بهم گفت ولی من نه تا اون جایی که می‌تونستم خدا میدونه وظایفمو همه چیزش را انجام دادم" و زندگی سازگارانه خالص "من الان وقتشه که بچه‌دار شم بدین که من سنم کوچک بودم گفتم که من الان واقعا آمادگی شو ندارم با این حال یادم بازم سر بچه‌دار شدن کتک هم خوردم" می‌باشند.

ب: وضعیت رضایت از زندگی و آینده‌نگری کودک همسران: این مقوله‌ی اصلی شامل ۶ مقوله‌ی فرعی احساسات پرفراز و نشیب زناشویی "از ازدواجم که راضی هستم ولی همسنو سال‌هام که نگاه‌شون می‌کنم بعضی وقت‌ها و در کل اکثراً اوقات پشیمان می‌شوم"، رضایت از نقش همسری "خیلی راضی‌ام

یعنی همسرم خیلی مرد خوبیه و منو درک می‌کنه"، عدم رضایت از نقش همسری "بدترین تصمیمی که تو زندگی‌م گرفته شد همین تصمیم ازدواجم بود"، انتظارات و توقعات ابتدایی کودک همسران "گفتم نمی‌دونم چی بگم فقط یه چیزی ازت می‌خوام هیچی گفتم. گفتم فقط می‌خوام مانع درس خواندن نشی"، انتظارات و توقعات ارتقایی کودک همسران "آرزو دارم برای خودم مستقل بشم و بتونم برای مامانم یه سری به مامانم بزمن و بتونم آزادانه به مامانم سر بزمن به خواهرم سر بزمن و آزادانه با یه دوستم برم بیرون و اینا همش مونده رو دلم این‌ها همش آرزو هست" و افق دید کودک همسران "علی‌رغم تمامی استرس‌ها و دوران پر مشقتی که داشتیم به آینده امیدوارم و تلاش می‌کنم آینده خوبی رو برای خودم بچهام و همسرم بسازم" می‌باشند. **پدیده مرکزی:** پدیده مرکزی یا مقاله محوری برای پیوند دادن مقوله‌های اصلی و یکپارچه کردن کل یافته‌ها و کدها ضروری است که این پیوند و ارتباط در نمودار (۱) مشخص شده است. پدیده مرکزی به دلیل داشتن قدرت تحلیل، توانایی به هم نزدیک کردن مقولات را به منظور توضیح کل مطالب دارد که با توجه به این منطق در پژوهش جاری مقوله محوری فرایند ساخت هویت همسری نام گرفت که اثر و نمود آن در تمامی مقولات اصلی و فرعی وجود داشت. به سخن دیگر سبک و هویت زندگی این افراد با اشخاصی که در زمان مناسب ازدواج کردند تفاوت‌های ویژه و بنیادی داشته و هویت به دست آمده ناشی از انتخاب وظایف مرتبط با نقش همسری است. این ویژگی در هویت‌یابی و ساخت آن، زندگی بدون کودکی کردن، وجود فشار اجتماعی برای انتخاب این نوع پیوند، همسری زود هنگام بدون آمادگی و طی نکردن تشریفات آشنایی مناسب، سبک همسری بدون آموزش و فی‌البداهه، الگوهای یادگیر تدریجی و کورکورانه، تغییر مسیر زندگی که اغلب با سرنوشتی محکوم و پشیمانی به دلیل پیامد انتخاب‌های خاص همراه بوده است. همچنین این هویت همسری چالش‌ها و مشکلات اساسی و منحصر به فرد در زندگی مشترک، بحران‌های حاد در زندگی زناشویی و زندگی گذشته فرد، وضعیت رضایت از زندگی و آینده‌نگری مبهم، شیوه‌های حل مسئله اغلب کوتاه مدت و سازش‌گرایانه مطلق که نادیده گرفتن خواسته‌های خود و کوتاه آمدن مهم‌ترین مشخصه آن است را در پی داشته است. همه این عوامل و مقولات اصلی در نوع خود ویژه و خاص این زوج‌ها بوده که فرایند کسب و ساخت هویت همسری آنان را مجزا و منحصر به فرد می‌نمایند.



### بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی چالش‌ها و فرایند ساخت هویت همسری در ازدواج زودهنگام است که ساخت هویت همسری با توجه به عوامل مختلف و چالش‌های خاصی شکل می‌گیرد. تحلیل داده‌ها و کاوش دقیق و عمیق یافته‌ها و بررسی روابط حاکم در میان مقولات پژوهش، سبب کشف پدیده مرکزی ساخت هویت همسری در پژوهش شد که تمامی مقولات فرعی و مقولات اصلی را پوشش می‌دهد و بخش زیادی از اظهارات مشارکت‌کنندگان در مورد سازگار کردن خود با شرایط و تغییر و ساخت هویت جدید بوده است. در نقش همسری فرد وظایفی را به عهده می‌گیرد که به صورت اجتماعی، خانوادگی و یا فرهنگی برای او تعیین شده است (آبرا و همکاران، ۲۰۲۰). پژوهش‌ها در مورد رشد هویت زنان نشان می‌دهند که زنان به طور کلی هویت خود را در چارچوب روابط و ارتباطات خود با دیگران شکل می‌دهند (بوچارد، ۲۰۱۶) و از طرفی فرایند ارزش‌گذاری نقش‌ها و به تبع آن، اولویت نقش‌ها در طول دوره‌های رشدی ممکن است متفاوت باشد (پتن، ۲۰۱۸).

درخصوص مدل مفهومی پژوهش، زندگی بدون هویت کودکی و عوامل فردی و فرهنگی به عنوان شرایط علی شناسایی گردیدند. ازدواج در سنین کودکی، مهم‌ترین علت ساخت هویت همسری است. بعد از ترک تحصیل، اجبار به ازدواج بیشتر دیده می‌شود و در بخشی از هویت همسری آنان شاهد حذف برهه‌ای از چرخه طبیعی زندگی هستیم که پشیمانی به خاطر ترک تحصیل و کودکی نکردن بخشی از این چرخه‌ی هویتی است. از سوی دیگر در این فرایند هویت‌سازی، گویی مسیر مبهمی با تلاش‌هایی جهت تداوم زندگی‌شان طی می‌کنند که این تجارب همسری زودرس وابسته به خود کودک و فرهنگ وی می‌باشند که این پیوند را تحمیلی و علت ازدواج را کنجکاوای بچه‌گانه و عبرتی تلخ توصیف می‌کنند. این یافته‌ها با یافته‌های افریبا و بابانا<sup>۴</sup> (۲۰۲۰)، پترونی و همکاران (۲۰۱۸)، هودگینسون و همکاران (۲۰۱۶)، والکر (۲۰۱۲) و افتخارزاده (۱۳۹۴)، همسو می‌باشند، تا جایی که برخی از اصطلاح ازدواج اجباری به جای ازدواج زودهنگام استفاده می‌کنند

1. Bouchard
2. Patton
3. Efevbera & Bhabha

زیرا این تصور وجود دارد که کودکان قادر به تصمیم‌گیری در این زمینه نیستند و حتی به آن‌ها فرصتی برای تصمیم‌گیری داده نمی‌شود (هودگینسون و همکاران، ۲۰۱۶). در ازدواج زودهنگام هنجارهای اجتماعی، باعث تضمین اموال مردان و محافظت آنان در مقابل زنان می‌شود و حتی در برخی جوامع نیز، ازدواج کودکان باعث افزایش سرمایه والدین از طریق رسوماتی مانند مهریه می‌شود (افبریا و بابانا، ۲۰۲۰) و می‌تواند یک عامل مثبت در بروز خشونت خانگی و ترک تحصیل دختران باشد (افتخارزاده، ۱۳۹۴).

شرایط زمینه‌ای، شرایطی کلی و مربوط به محیط فرهنگی هستند که فشار اجتماعی منجر به انتخاب زندگی غیرقابل اجتناب و چالش‌ها و مشکلاتی اساسی به‌عنوان شرایط زمینه‌ای مطرح هستند. فشارهای اجتماعی و فرهنگی در ایجاد سبک خاصی از زندگی و ازدواج زودهنگام‌شان به وضوح مشخص بود به‌گونه‌ای که ضمن عدم رشد شناختی و بی‌علاقگی دختران، چالش‌های جدی‌ای در زندگی این افراد پدید آمده بود. در واقع عوامل جسمی و بیولوژیکی، تعیین کننده سن ازدواج برای دختران و عوامل اقتصادی و جایگاه اجتماعی برای پسران هستند (والکر، ۲۰۱۲). فشارهای اجتماعی و تعامل هنجارهای اجتماعی، اقتصادی، ساختارها و انگیزه‌های خانوادگی در ازدواج کودکان عوامل زمینه‌ای و کلان هستند (پترونی و همکاران، ۲۰۱۸). با توجه به این عوامل، آنها با منابع و امکانات محدود تحصیلی، تجربه و پختگی پایین، زندگی زناشویی را آغاز می‌کنند و در نتیجه در ایفای نقش زناشویی با انتخاب و عاملیت بسیار ضعیف ایفای نقش می‌نمایند (ولدخانی و همکاران، ۱۳۹۵).

شرایط مداخله‌گر عوامل خاص و تسهیلگر بوده که بر راهبردها تاثیر دارند که الگوهای یادگیری همسری و بحران‌های حاد در زندگی مشترک به عنوان شرایط مداخله‌ای ساخت هویت همسری شناسایی شدند. با وارد شدن فرد به ازدواج انتظار می‌رود که او نقش همسری خود را ایفا کند، خواه کودک و نوجوان باشد یا بزرگسال. حتی از فردی که در سن کودکی و نوجوانی وارد ازدواج می‌شود انتظار می‌رود که نقش‌های همسری خود از جمله مواردی مثل رسیدگی به نیازهای همسر و رابطه جنسی را ایفا کند (چو تاپا و میشر، ۲۰۰۵). فردی که دچار کودک‌همسری شده ممکن است هنوز به بلوغ جنسی نرسیده و یا تازه به لحاظ جنسی بالغ شده باشد و آگاهی و تجربه‌ای در این زمینه نداشته باشد در حالی که در نقش از او انتظار می‌رود که بتواند رابطه جنسی برقرار کند (انگبرستین و همکاران، ۲۰۲۰). الگوهای یادگیری این افراد به فرهنگ و هنجارهای اجتماعی به شدت وابسته است و افزون بر مشکلات اقتصادی، هنجارهای اجتماعی خود به‌عنوان عوامل ترغیب کننده به ازدواج زودهنگام می‌باشند. بنابراین بسیاری از دختران با وجود مشکلات فراوانی که کودک‌همسری و حاملگی زودهنگام برای آنها ایجاد می‌کند حاضر به ازدواج هستند (سیسلاگی و همکاران، ۲۰۱۹).

راهبردها، اقدامات هدفمندی هستند که راه‌حل‌هایی برای پدیده محوری فراهم می‌سازند. تغییر مسیر زندگی، حل مسئله ناسازگاره و حل مسئله

4. Walker
5. Cislighi, Mackie, Nkwi & Shakya



از آنجا که دختران در سنین پایین از نظر جسمی بالغ نمی‌شوند، لذا تاهل در سنین کم می‌تواند مشکلات جسمی و اختلالات خلقی همچون افسردگی، اضطراب و وسواس را به همراه داشته باشد (لی‌استارت و همکاران، ۲۰۱۱). با توجه به اینکه حاملگی در سنین پایین ریسک بالایی دارد؛ افرادی که کودک همسر هستند، معمولاً تجربه فوت فرزند بعد از زایمان یا حین زایمان را داشته‌اند (صفوی و مینایی، ۱۳۹۴). دختران با ازدواج زود هنگام بیشتر از سایر دختران، دچار مشکلات پزشکی و جسمانی شده و این دختران به‌ویژه زمانی که ازدواج زیر سن ۱۵ سال داشته و باردار شده‌اند دچار تعارضاتی در نقش مادری و کودکی خود شده و خود را برای پرورش فرزند آماده نمی‌بینند (اسکافینیت و همکاران، ۲۰۱۹).

به طور کلی گذر از یک مرحله به مرحله دیگر و تغییر نقش‌ها باید با آگاهی و کسب بینش و دانش نقش جدید همراه باشد تا کمترین آسیب و استرس در تغییر نقش رخ دهد. ازدواج تغییرات زیادی را در زندگی افراد به خصوص دختران ایجاد می‌کند و سیر ناگهانی و سریع جهت پذیرش و افزایش نقش‌ها و مسئولیت‌های سنگین سنین بالاتر، قبل از آمادگی آنان، این موضوع را مشکل‌تر می‌کند (فرهمند و همکاران، ۱۳۹۹). این افراد آمادگی کمتری برای پذیرش نقش‌ها داشته و از مهارت‌های لازم برای ایفای نقش همسری بی‌بهره می‌باشند (ولدخانی و همکاران، ۱۳۹۵). نقش‌هایی که افراد در زندگی برعهده می‌گیرند بعد از مدتی به هویت آنها تبدیل می‌شود و از طرفی یکی از پیش‌نیازهای ازدواج، کسب آگاهی نسبت به نقش‌های همسری است، درحالی‌که دختران با ازدواج زود هنگام، اغلب در زمینه‌های مختلفی از قبیل معیارهای انتخاب همسر، همسر داری، نقش مادری و روابط زناشویی شناخت کافی ندارند. آنان به علت سن پایین، عدم آگاهی و آموزش چه از طرف والدین و چه از سوی نهادهای دیگر مانند مدرسه در مسائل بارداری، مادری، مسئولیت‌ها و مهارت‌های زندگی بدون هیچ پیش‌زمینه‌ای وارد زندگی می‌شوند؛ تاهنگامی که نسبت به ویژگی‌ها، محدودیت‌ها، شرایط زیستی، روانی، نقش و وظایف همسر و نقش و وظایف خود در قبال همسر هیچ گونه آگاهی نداشته باشند با انتظارات غیرموجه و غیرواقع‌بینانه روبرو می‌شوند. بنابراین ازدواج در سنین پایین به صورت آشکاری اهداف اصلی رشد روانی اجتماعی را زیر سوال می‌برد و در هر مرحله اگر تعارضات حل نشود تبدیل به آسیب خواهند شد (دیالا، ۲۰۱۹) که این افراد بدون گذران صحیح مراحل رشد روانی-اجتماعی اریکسون وارد مرحله بزرگسالی شده که در اثر آن شخصیت مستقلی پیدا نمی‌کنند و همواره احساس خلاء در زندگی‌شان دارند و به دنبال پر کردن این خلاء در طول زندگی‌شان هستند که به وضوح در پژوهش مشاهده شد.

تعمیم یافته‌های پژوهش، بررسی ازدواج زود هنگام صرفاً در زنان و عدم ارائه پروتکل مداخلاتی منتج از پژوهش از محدودیت‌های اصلی پژوهش حاضر بوده که پژوهشگران دیگر می‌توانند از همین محدودیت‌ها جهت مطالعات بعدی استفاده نمایند. نتایج پژوهش حاضر به روانشناسان و مشاوران در خصوص ارائه مشاوره‌های قبل از ازدواج، در نظر گرفتن سن مناسب ازدواج و ارائه بازخوردهای مناسب به افراد در معرض ازدواج زود هنگام کمک می‌کند.

سازگاران به‌عنوان راهبردهای ساخت هویت همسری شناسایی گردیدند که روش‌هایی مثل سکوت کردن، سازگاری و تحمل کامل، طلاق گرفتن از جمله آنها بودند. ازدواج در سنین پایین، زنان را با بی‌قدرتی در زمینه فردی و تعاملی در روابط زناشویی روبرو می‌کند که کنش آنان در مقابل مسئله بی‌قدرتی به شکل پنهان‌کاری، طلاق، سازگاری و سکوت اجباری رخ می‌دهد و دلزدگی زناشویی، عدم رضایت از زندگی، سرخوردگی، انزوای اجتماعی و طلاق پیامد آن می‌باشد (فرهمند و همکاران، ۱۳۹۹). افراد در پاسخ به این پرسش که «آیا هنگامی که به تو نیاز دارم، می‌توانم روی کمک حساب کنم؟» پاسخ منفی بشنوند؛ به شیوه‌های محدودی خود را با این پاسخ منفی سازگار می‌سازند. هنگامی که ارتباط با افراد غیر قابل جایگزین مورد تهدید قرار گرفته و یا حتی هنوز تهدید شدت نیافته است؛ سامانه دلبستگی یا بیش از اندازه پویا می‌شود یا بسیار ضعیف عمل می‌کند. در راهبرد نخست، رفتارهای دلبستگی به شکل بسیار شدید و افراطی دیده می‌شوند و خود را در اشکالی مانند چسبندگی اضطرابی، تعقیب و حتی تلاش‌های پرخاشگرانه به منظور کسب پاسخ از سوی فرد مورد علاقه نشان می‌دهند. در راهبرد دوم، به منظور مقابله با نبود اشتغال عاطفی ایمن به ویژه هنگامی که امیدی به کسب پاسخ عاطفی از سوی فرد مورد علاقه وجود ندارد؛ سامانه دلبستگی غیرفعال شده، نیازهای دلبستگی سرکوب می‌شود و فرد بر وظایف و کارکردهای روزمره‌اش متمرکز شده و از تلاش برای اشتغال عاطفی با مظاهر دلبستگی دوری کرده و عواطف خود را محدود می‌سازد. این دو راهبرد پایه‌ای یعنی چسبندگی بیش مشغولانه اضطرابی و اجتناب دوری‌گزینه می‌توانند به شیوه‌های عادی در ارتباط با دیگر افراد صمیمی زندگی نیز تبدیل شوند. در سومین راهبرد نایمن شناخته شده؛ ترکیبی متناقض از جستجوی نزدیکی و به دنبال آن ترس و دوری کردن از پذیرش این نزدیکی دیده می‌شود. این راهبرد معمولاً در ادبیات کودکان، راهبرد ساماندهی نشده و در ادبیات بزرگسالان، راهبرد اجتنابی - بیمناک نامیده می‌شود. این راهبرد با دلبستگی‌های زخم خورده و مختل که در آنها دیگران برای فرد در زمان واحد منبع امنیت و ترس هستند، مرتبط می‌باشند (جانسون، ۲۰۰۲).

پیامدها که حاصل راهبردها هستند شامل سبک همسری و وضعیت رضایت از زندگی و آینده‌نگری افراد می‌شوند. ازدواج زود هنگام پیامدهای مثبتی همچون افزایش رضایت والدین و تمکین از آداب و رسوم فرهنگی را دارد که در مقایسه با پیامدهای منفی قطعاً قابل مقایسه نیست. افراد کودک همسر به‌ویژه دخترانی که با مردان سنین بالاتر از خود ازدواج می‌کنند دچار کندی و حتی توقف رشد هیجانی، اجتماعی و حتی شناختی شده چرا که وظایفی که به عهده آنها سپرده می‌شود بیش از توان و ظرفیت آنها بوده است (راج و همکاران، ۲۰۱۹). در برخی از کودکان و نوجوانان به‌ویژه دخترانی که با مردان با فاصله‌ی سنی زیادی از خود ازدواج می‌کنند، به سرعت بچه‌دار می‌شوند و باید نقش همسری و والدی را هم‌زمان بر عهده بگیرند، به دلیل فشار روانی که زندگی زوجی با نقش‌ها و وظایفی فراتر از حد توان روانی‌شان از آنها طلب می‌کند؛ دچار توقف و یا کندی رشد در زمینه‌های مختلف از جمله شناختی و اجتماعی می‌شوند (دیگروت و همکاران، ۲۰۱۸).

- Abera, M., Nega, A., Tefera, Y., & Gelagay, A. A. (2020). Early marriage and women's empowerment: the case of child-brides in Amhara National Regional State, Ethiopia. *BMC international health and human rights*, 20(1), 1-16.
- Choe, M. K., Thapa, S., & Mishra, V. (2005). Early marriage and early motherhood in Nepal. *Journal of biosocial science*, 37(2), 143
- Cislaghi, B., Mackie, G., Nkwi, P., & Shakya, H. (2019). Social norms and child marriage in Cameroon: An application of the theory of normative spectrum. *Global public health*, 14(10), 1479-1494.
- De Groot, R., Kuunyem, M. Y., & Palermo, T. (2018). Child marriage and associated outcomes in northern Ghana: a cross-sectional study. *BMC Public Health*, 18(1), 1-12
- Diala, J. (2019). The Child In A Child: Child Marriage And Lost Identity In Southern Africa. *Pravni vjesnik*, 35(1), 53-73.
- Efevbera, Y., & Bhabha, J. (2020). Defining and deconstructing girl child marriage and applications to global public health. *BMC public health*, 20(1), 1-11.
- Engelbretsen, S., Gueye, M., Melnikas, A. J., Fofana, S., Fané, B., & Amin, S. (2020). Adolescent girls' migration and its impact on early marriage: Qualitative findings in Mali. *PLoS one*, 15(3).
- Hodgkinson, K., Koster, W., & Miedema, E. (2016). Understanding and addressing child marriage: A scoping study of available academic and programmatic literature for the HER CHOICE Alliance.
- John, N. A., Edmeades, J., Murithi, L., & Barre, I. (2019). Child marriage and relationship quality in Ethiopia. *Culture, health & sexuality*, 21(8), 853-866.
- Johnson, S. M. (2002). Emotionally focused couple therapy with trauma survivors, Strengthening attachment bonds. New York: Guilford Press.
- Le Strat, Y., Dubertret, C., & Le Foll, B. (2011). Child marriage in the United States and its association with mental health in women. *Pediatrics*, 128(3), 524-530.
- Patton, K. M. (2018). Examining the Interacting Effects of Marital Role Salience and Satisfaction on Mental Health Trajectories of Female Expatriates. *Doctoral dissertation, Seattle Pacific University*
- Petroni, S., Steinhaus, M., Fenn, N. S., Stobenau, K., & Gregowski, A. (2017). New findings on child marriage in sub-Saharan Africa. *Annals of global health*, 83(5-6), 781-790.
- Raj, A., Salazar, M., Jackson, E. C., Wyss, N., McClendon, K. A., Khanna, A., ... & McDougal, L. (2019). Students and brides: a qualitative analysis of the relationship between girls' education and early marriage in Ethiopia and India. *BMC public health*, 19(1), 1-20
- Rumble, L., Peterman, A., Irdiana, N., Triyana, M., & Minnick, E. (2018). An empirical exploration of female child marriage determinants in Indonesia. *BMC public health*, 18(1), 1-13.
- Schaffnit, S. B., Hassan, A., Urassa, M., & Lawson, D. W. (2019). Parent-offspring conflict unlikely to explain 'child marriage' in northwestern Tanzania. *Nature human behaviour*, 3(4), 346-353.
- Stark, L. (2019). Why daughters may choose early marriage. *Nature human behaviour*, 3(4), 325-326.
- Tessema, Z. T. (2020). Spatial distribution and associated factors of early marriage among reproductive age women in Ethiopia: a secondary data analysis of Ethiopian Demographic and Health Survey 2016. *BMC Women's Health*, 20(1), 1-11.
- Walker, J. A. (2012). Early marriage in Africa—trends, harmful effects and interventions. *African journal of reproductive health*, 16(2), 231-240.

نقش و هویت همسری نیازمند آموزش کافی و کسب مهارت‌های زندگی است که ازدواج در سنین کودکی این ایفای نقش‌ها را با مشکل مواجه کرده است. پیشنهاد می‌شود در صورت وقوع چنین ازدواج‌هایی جهت کاهش آسیب و چالش‌های فردی و بین فردی، آموزش مهارت‌های زندگی و زناشویی و ارتقاء دانش فردی و بین فردی به زوجین ارائه گردد. که ارائه این آموزش‌ها و فرهنگ‌سازی عمومی در کاهش مشکلات و ازدواج اجباری بسیار موثر است.

### تقدیر و تشکر

این مقاله مستخرج از رساله دکتری بوده که بدین‌وسیله از تمام اساتید و مشارکت‌کنندگان و تمامی افرادی که در اجرای این پژوهش کمک داشتند تقدیر و تشکر می‌گردد.

### منابع

- اشتراوس، آنسلم؛ کوربین، جولیت. (۱۹۹۰). مبانی پژوهش کیفی (فنون و مراحل نظریه زمینه‌ای). ترجمه ابراهیم افشار (۱۳۹۸). نشر نی.
- افتخارزاده، سیده‌زهره. (۱۳۹۴). تجربه زیسته زنان در ازدواج زودهنگام. *فصلنامه پژوهش‌نامه مددکاری اجتماعی*، ۲ (۳)، ۱۵۶-۱۰۸.
- حاجیلو، فتنه؛ آقایی، توکل؛ علی‌پورآبدار، فریده. (۱۴۰۰). علل زمینه‌ساز کودک‌همسری (مطالعه موردی زنان دارای تجربه زیسته مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی شهر تبریز). *فصلنامه زن و جامعه*، ۱۲ (۴۸)، ۱۰۳-۱۱۶.
- صفوی، حنانه‌السادات؛ مینایی، ماه‌گل. (۱۳۹۴). تجربه زیسته دختران نوجوان در نقش همسر (مطالعه ازدواج زودهنگام دختران آران بیدگل). *فصلنامه پژوهش‌نامه زنان*، ۶ (۱۲)، ۳۲-۴۴.
- فرهمنده، مهناز؛ دانافر، فاطمه؛ پورابراهیم‌آبادی، محبوبه. (۱۳۹۹). واکاوی تجارب زناشویی کودک‌همسری: درهم آمیختگی عاطفی-فکری و بی‌قدرتی. *دوفصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، ۹ (۱۷)، ۱۱۵-۱۴۵.
- کوهی، کمال. (۱۳۹۸). بررسی کودک‌همسری در کشور با تاکید بر استان آذربایجان شرقی. *مجله حقوق کودک*، ۳ (۱)، ۱۲۹-۱۵۹.
- کوثن، بروس. (۱۳۹۵). مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلام‌عباس توسلی و رضا فاضل، چاپ هشتم، انتشارات سمت.
- نوبهاری، مهناز. (۱۳۹۹). فرا تحلیل مطالعات ازدواج کودکان در ایران: تحلیل علل، پیامدها و راهکارهای آن. *مجله علوم اسلامی انسانی*، ۶ (۲۳)، ۱۱۴-۱۲۵.
- ولدخانی، مریم؛ محمودپور، عبدالباسط؛ فرحبخش، کیومرث؛ سلیمی‌بجستانی، حسین. (۱۳۹۵). تاثیر سن ازدواج، الگوهای همسرگزینی و تفاوت سنی زوجین بر کیفیت زندگی زناشویی زنان شهر تهران. *فصلنامه مطالعات روانشناسی بالینی*، ۷ (۲۵)، ۱۷۳-۱۹۰.